

جماعات پagan و تعامل آنان با مسیحیان در بین‌النهرین در آستانهٔ

فتوح اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

آزاده آزادی‌نژاد^۱/روزبه زرین‌کوب^۲/سینا فروزش^۳

چکیده

بین‌النهرین از دیرباز محل تلاقی تمدن‌ها و بسستر مناسبی برای زایش اندیشه‌های مختلف بوده است. این سرزمین، به دلیل موقعیت جغرافیایی آن، در تاریخ ایران نیز اهمیت زیادی دارد. در پایان دورهٔ ساسانی، جماعت‌های مذهبی مختلفی در بین‌النهرین سکونت داشتند که گروهی از آنها پagan بودند. در این پژوهش، منظور از پagan‌ها افرادی هستند که خدایانی غیر از خدای واحد را می‌پرستیدند و طبیعت کانون توجه آنها بود. چون فتوحات اسلامی صبغهٔ مذهبی داشت و بین‌النهرین یکی از سرزمین‌هایی بود که مورد توجه فاتحان مسلمان قرار گرفت، آشنایی با پیروان ادیان حاضر در بین‌النهرین در این بازهٔ زمانی ضروری است. به علاوه، چون در آن زمان مسیحیان حضور پررنگی در بین‌النهرین داشتند، نحوهٔ تعامل جماعت پagan با مسیحیان در آستانهٔ فتوح اسلامی به شناخت وقایع کمک می‌کند. هدف از این پژوهش، شناخت جماعت پagan و نحوهٔ تعامل آنها با مسیحیان است. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع تاریخی و همچنین شواهد باستان‌شناختی به این پرسش پاسخ می‌دهد که ممیزات پagan‌های ساکن در بین‌النهرین در آستانهٔ فتوح اسلامی چه بود و آنها چه تأثیری بر مسیحیان هم‌جوار خود گذاشتند؟ یافته‌ها حاکی از آن است که حران، ادسا و حیره مراکز آیینی پagan‌ها در بین‌النهرین بود. همچنین جادوگری، سرنوشت‌باوری بر پایهٔ ستاره‌شناسی و قربانی کردن از شاخصه‌های پaganیسم در این سرزمین بود. پagan‌ها بر مسیحیت تأثیرگذار بودند. در مقابل، راهبان مسیحی نیز می‌کوشیدند پagan‌ها را به مسیحیت متمایل کنند. واژگان کلیدی: پagan‌ها، بین‌النهرین، فتوح اسلامی، اواخر دورهٔ ساسانیان، مسیحیت.

Mesopotamian Pagan Communities and their interaction with the Christians on the verge of Islamic conquest

Azadeh Azadinezhad⁴/Roobeh Zarrinkoob⁵/Sina Forouzes⁶

Abstract

Since the distant past, Mesopotamia, as a crossroad of civilizations, has provided ample ground for the emergence of various belief systems. Due to geographical location, Mesopotamia also had an important role in Iranian history. At the end of the Sassanid period, among diverse religious groups residing in Mesopotamia, some were known as pagans. In this study, the term pagan refers to the people who worshiped deities rather than the one god and the Nature was the center of their attention. Since the Islamic Conquests, including in Mesopotamia, had underlying religious implications, it is necessary to know the interactions among the adherents of various religions in Mesopotamia during this period. Moreover, because of the distinct presence of Christianity in Mesopotamia at that time, the manner of interaction between the Pagans and the Christians on the verge of Islamic conquest is important in understanding the current of events. This study aims to define the Mesopotamian pagans and the way in which they interacted with Christian communities. Based on a descriptive-analytical approach and using historical sources and archaeological evidence, this article seeks to determine the characteristics of Mesopotamian pagan communities and their influence on the neighboring Christians by the time of Islamic conquest. The results show that the cities of Harran, Edessa, and Hira were the pagan religious centers of the pagans in Mesopotamia. Furthermore, witchcraft, astral fatalism, and sacrifice were prominent characteristics of Mesopotamian paganism. This religion was able to influence Christianity. In contrast, Christian monks tried to convert pagans to Christianity.

Keywords: Pagans, Mesopotamia, Islamic Conquest, Late Sassanid Period, Christianity.

۱. دانشجوی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. *تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۸/۲۲ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

4. PhD Candidate of History, Department of History, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: azadeh.azadinezhad@gmail.com.

5. Assistant Professor, Department of History, Tehran University, Tehran, Iran. Email: zarrinkoobr@ut.ac.ir.

6. Associate Professor of History, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, Email: s_forouzes@srbiu.ac.ir.

مقدمه

ابن ابی‌الحدید دربارهٔ مردم عراق چنین می‌گوید:

... آنچه باعث می‌شود تا من میان مردم عراق با عربانی که گرد رسول خدا (ص) بودند، تمایز قائل بشوم، این است که اینان مردم عراق و ساکن کوفه‌اند و خاک عراق همواره پرورش‌دهندهٔ صاحبان آرای گوناگون و پیروان فرقه‌های شگفت و مذاهب بدیع بوده است. در طی سلطنت اکاسره، شخصیت‌هایی مانند مانی، مزدک، دیصان و... از میان آنان برخاسته‌اند، در حالی که نه خاک حجاز خاک عراق است و نه مردم آن صاحب چنین اذهانی هستند...^۱

در روزگار ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱م) بخش بزرگی از بین‌النهرین محل سکونت مجموعه‌ای از اجتماعات آرامی‌زبان بود. یهودیان، منداییان، مانویان، مسیحیان و پاگان‌ها در این سرزمین در جوار هم زندگی می‌کردند.^۲ یکی از مهم‌ترین تغییراتی که در اواخر دورهٔ ساسانی در بین‌النهرین اتفاق افتاد، تشکیل جوامع مجزای دینی بود. تشکیل چنین جماعت‌هایی باعث می‌شد روابط اجتماعی اعضای آنها با یکدیگر کم‌رنگ شود. اگرچه مرزهای اجتماعی ایجادشده براساس هویت‌های دینی رو به افزایش بود، این مرزها همیشه با هویت‌های قومی مطابق نبود. برای مثال، یک فرد مسیحی می‌توانست در میان آرامی‌ها، ایرانی‌ها، سریانی‌ها و یا عرب‌ها ساکن باشد.^۳ همزمان با ظهور و گسترش دین اسلام، بین‌النهرین نیز چون دروازهٔ فلات ایران بود، خیلی سریع مورد توجه فاتحان مسلمان قرار گرفت. با توجه به اینکه فتوحات اسلامی صبغهٔ دینی داشت، آشنایی با ادیان مختلف حاضر در بین‌النهرین و پیروان آنها ضروری می‌نماید. ادیانی مثل زردستی، مسیحیت و یهودیت تا حدی بررسی شده‌اند، اما نباید از جماعت پاگان غفلت نمود که از دیرباز در بین‌النهرین حضور داشتند و در اواخر دورهٔ ساسانی نیز در این منطقه زندگی می‌کردند و فرماندهان مسلمان با آنها نیز مانند پیروان ادیان دیگر عهدنامه‌هایی بستند. با توجه به اینکه در اواخر دورهٔ ساسانی مسیحیان یکی از پرتعدادترین جماعت‌های دینی حاضر در بین‌النهرین بودند، نحوهٔ تعامل پاگان‌ها با آنها در این بازهٔ زمانی قابل توجه است. در این پژوهش، هدف شناخت ویژگی‌های جماعات پاگان و نحوهٔ تعامل آنها با مسیحیان ساکن در بین‌النهرین است. در واقع پرسش اصلی این پژوهش این است که در آستانهٔ فتوح اسلامی پاگان‌ها (با توجه به وجوه تمایزشان) و مسیحیان چه

۱. محمد ابوزهره، تاریخ مذاهب اسلامی، ترجمهٔ علیرضا ایمانی (قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴)، ص ۶۴-۶۵؛ عبدالحمید بن هبه الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷ (قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۴ق)، ص ۵۱.
 2. Erica C. D. Hunter, "Aramaic-Speaking Communities of Sasanid Mesopotamia", *Aram*, Vol. 7 (1995), pp. 319-335.
 3. Michael G. Morony, *Iraq After the Muslim Conquest* (United States: Princeton University Press, 1984), pp. 277-278.

تأثیراتی بر یکدیگر داشتند؟ لازم به ذکر است پآگانیسم به مجموعه‌ای از مذاهب گفته می‌شود که در آنها طبیعت نقطه کانونی است و برای بزرگداشت آن می‌بایست آداب و رسوم خاصی انجام شود.^۱ اگرچه پآگانیسم سنت‌های مختلفی دارد، پرستش طبیعت یا احترام به آن تنها چیزی است که آنها را با یکدیگر متحد می‌کند. آیین نکته حائر اهمیت است که مسیحیان زردشتیان را پرستنده بت‌ها تلقی می‌کردند و به‌ندرت میان زردشتیان و پاکان‌ها تمایز قائل می‌شدند و هر دو گروه را پاکان می‌نامیدند.^۲ از این رو، هنگام استفاده از منابع باید احتیاط کرد تا از خلط معنایی پرهیز شود. نکته دیگر آنکه منظور از آستانه فتوح اسلامی اواخر دوره ساسانی یعنی از روزگار خسرو پرویز (پادشاهی ۵۹۰-۶۲۸م) تا سقوط ساسانیان است. برای پاسخ دادن به سؤال این مقاله تلاش شد از منابع دست اول که در آستانه فتوح اسلامی تألیف شده‌اند، استفاده شود. همچنین شرح حال قدیسان مسیحی و رویدادنامه‌های شهرهای بین‌النهرین در بازه مورد پژوهش بررسی شد. علاوه بر این، یافته‌های باستان‌شناختی نیز مد نظر قرار گرفت. در اینجا منظور از یافته‌های باستان‌شناختی کاسه‌هایی است که در مناطق مختلف بین‌النهرین، چه در زیر زمین و چه در لایه‌های مناطق مسکونی مربوط به اواخر دوره ساسانی، در طی کاوش‌ها به دست آمده و به کاسه‌های جادویی معروف شده است.

بررسی منابع

رویدادنامه خوزستان

این رساله که با عنوان *رویدادنامه گویندی*^۴ نیز شناخته می‌شود، رساله‌ای به زبان سریانی است و از منابع تاریخی واپسین سال‌های حکومت ساسانیان و فتوح اعراب به شمار می‌رود. این رساله را در سال ۱۸۹۹م اینیاتزیو گویندی^۵ شناسایی و تصحیح کرد و تئودر نولدکه در سال ۱۸۹۳م آن را به آلمانی برگرداند.^۶ گفتنی است نولدکه مکان نگارش این رساله را بین‌النهرین یا خوزستان تعیین کرده است.^۷ چون این رساله تقریباً همزمان با فتوح اسلامی نگارش یافته است، اهمیت زیادی در حوزه این پژوهش دارد.

1. Graham Harvey, "Paganism-Contemporary", *The Encyclopedia of Religion and nature*, (eds.) Bron R. Taylor & Jeffrey Kaplan (England, 2006), p. 1247.

2. Michael P. Nelson, "Pagan Environmental Ethics", *The Encyclopedia of Religion and nature*, (eds.) Bron R. Taylor & Jeffrey Kaplan (England, 2006), p. 1234.

3. Morony, Iraq, p. 292.

4. *Chronicle of Gundi*

5. Ignazio Guidi

6. Chase F. Robinson, "The Conquest of Khuzistan: A Historiographical Reassessment", *Bulletin of the School of Oriental and African studies*, Vol. 67 (1) (2004), pp.14-39.

7. Theodor Nöldeke, "Die von Gundi Herausgegebene Syrisch Chronik", *Sitzungsberichte Der Kaiserlichen Akademie Der Wissenschaften*, (1893), pp. 1-48.

شرح حال رَبن هرمزد^۱

رساله شرح حال رَبن هرمزد اطلاعات ارزشمندی درباره خصوصیات مسیحیان نسطوری در قرن ۷ م و پس از آن در اختیار خواننده قرار می‌دهد. برای مثال، نشان می‌دهد عقیده به جادو هم در بین نسطوریان و هم در بین یعقوبیان رواج داشته است.^۲

رویدادنامه سعرت^۳

رویدادنامه سعرت احتمالاً در سده ۱۰ م نگاشته شده و البته منبعی است که در پژوهش‌های دوره باستان متأخر و اوایل دوره اسلامی خاورمیانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. بخش وسیعی از این رویدادنامه مربوط به وقایع سال‌های ۲۵۰ تا ۶۵۰ م است که البته وقایع حدود سال ۴۲۰ تا ۴۸۰ میلادی آن مفقود شده است.^۴

فتوح البلدان

در فتوح البلدان، اثر احمد ابن یحیی بلاذری (متوفی ۳۷۹ق)، همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، جریان‌های مربوط به فتوح مسلمانان در هر شهر و ناحیه به‌دقت و با جزئیات نقل شده است. بلاذری در نگارش کتاب خود از آثار نویسندگانی مثل اسحاق ابن بشر، واقدی و ابوعبیده معمر ابن مثنی و علی ابن محمد مدائنی و ابن عبدالحکم استفاده کرده است که ظاهراً از بین رفته‌اند. او همچنین از اطلاعات شفاهی مردم نواحی مختلف بهره برده است.

پیشینه پژوهش

در اواخر دوره ساسانی، جماعت‌های یهودی ساکن در بین‌النهرین، سوریه، فلسطین و مصر انبوهی از متون جادویی را تولید کردند. این متون بر روی کاغذ، پوست آهو، ورقه‌ها و کاسه‌های فلزی نوشته می‌شد.^۵ تعدادی از این کاسه‌های جادویی نخستین بار در سال ۱۸۵۳ م کشف شد.^۶ در سال ۱۹۱۳ م

۱. Rabban Hormizd، مؤسس صومعه‌ای به همین نام، بنگرید به:

H. L. Murre-van den Berg، "Hormizd, Monastery of Rabban"، *Gorgias Encyclopedic Dictionary of The Syriac Heritage*, eds. Sebastian P. Brock et al. (Gorgias Press, 2011), pp. 203-205.

2. *The Histories of Rabban Hormizd, The Persian and Rabban Bar-idta*, ed. E. A. Walleis Budge (Netherlands: Luzac, 1902).

3. *Chronicle of Seert*

4. Antonie Borrut، "Review of Wood, Philip. *The Chronicle of Seert: Christian Historical Imagination in Late Antique Iraq* (Oxford: Oxford University Press, 2013)", *The Journal of Religion* 96/4 (2016), pp. 584-86.

5. Erica C. D. Hunter، "Incantation Bowls: A Mesopotamian phenomenon?", *Orientalia*, Nova Series, Vol. 65, No. 3 (1996), pp. 220, 222.

6. Gideon Bohak، "Babylonian Jewish Magic in Late Antiquity: Beyond the Incantation Bowls"، In *Studies in Honor of Shaul Shaked*, eds. Yohanan Friedmann and Etan Kohlberg (Jerusalem: The Israel Academy of Sciences and Humanities, 2019), p. 70.

مونتگومری ۴۱ کاسه را بررسی و نتایج آن را در کتابی با عنوان *متون آرامی یافته‌شده از نیپور* منتشر کرد.^۱ در سال ۱۹۲۲م اپشتاین برخی از آوانویسی‌ها و تفسیرهای زبان شناختی مونتگومری را نادرست دانست و در مقاله‌ای با عنوان «یادداشت‌های بابلی-آرامی» آنها را تصحیح کرد.^۲ در سال ۱۹۵۳م سگال در اورفا (رها)^۳ پژوهش‌های میدانی انجام داد و گزارش آن را در قالب مقاله‌ای با عنوان «بناهای پاگان‌ها در ولایت اورفا» منتشر کرد.^۴ در سال ۱۹۸۴م مایکل مُرّنی کتاب *عراق بعد از فتوح اسلامی* را تألیف کرد.^۵ مُرّنی در این کتاب پاگان‌ها را یکی از گروه‌های مذهبی می‌داند و آنها را در کنار زردشتیان، یهودیان و مسیحیان طبقه‌بندی می‌کند. او در فصل مربوط به پاگان‌های بین‌النهرین، وضعیت آنها را هم در دوران ساسانی و هم در دوران اسلامی بررسی می‌نماید. در سال ۱۹۹۵م هانتز در مقاله «جماعات آرامی‌زبان در بین‌النهرین در دوره ساسانی» تلاش کرد هویت جماعات آرامی‌زبان بین‌النهرین را با استفاده از کاسه‌های جادویی، به‌عنوان منبع اصلی خود، مطالعه کند.^۶ در سال ۱۹۹۷م شائول شاکد در پژوهش خود با عنوان «ادیان رایج در بابل در دوره ساسانی» از کاسه‌های جادویی یافت‌شده در بین‌النهرین استفاده کرد.^۷ او در مقاله دیگری با عنوان «یهودیان، مسیحیان و پاگان‌ها در کاسه‌های جادویی آرامی‌زبان دوره ساسانی» که در سال ۲۰۰۱م منتشر شد،^۸ به بررسی کاسه‌های جادویی آرامی‌زبان در بین‌النهرین و ایران پرداخت. البته او درصدد بود با بررسی این کاسه‌ها، ساختار و لغات آرامی رایج در بین‌النهرین ساسانی و همچنین دین و آداب و رسوم رایج در این منطقه را مطالعه کند. در سال ۲۰۰۲م، همین‌آنتیلا مقاله‌ای با عنوان «تداوم آیین‌های مذهبی پاگان‌ها در عراق در قرن دهم میلادی» منتشر کرد.^۹ همو در سال ۲۰۰۶م کتابی با عنوان *آخرین پاگان‌های عراق: ابن وحشی و کشاورزی نبطی* تألیف کرد.^{۱۰} او در این کتاب به معرفی و بررسی رساله *الفلاحة النبطیه* اثر ابن وحشی پرداخته است. این رساله که البته درباره

1. James A. Montgomery, *Aramaic Incantation Texts from Nippur* (Philadelphia, 1913).

2. J. N. Epstein, "Gloses Babylo-Arameennes" in *Revue des Etudes Juives*, Vol. 74 (1922), pp. 40-72.

۳. رها نام دیگر شهر ادسا است. اعراب به این منطقه آداسا می‌گفتند. شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت حموی، معجم البلدان، الطبعة الثانية، ج ۱ (بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م)، ص ۱۲۷.

4. J. B. Segal, "Pagan Syrian Monuments in the Vilayet of Urfa", *Journal of the British Institute of Archaeology at Ankara* (3), (1953), p. 97.

5. Michael G. Morony, *Iraq After the Muslim Conquest* (United States: Princeton University Press, 1984).

6. Hunter, "Aramaic", p. 320.

7. Shaul Shaked, "Popular Religion in Sasanian Babylonia", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, Vol. 21 (1997), pp. 103-117.

8. Shaul Shaked, "Jews, Christians and Pagans in the Aramaic Incantation Bowls of the Sasanian Period", *Religions and Cultures: First International Conference of Mediterranean*, edited by Adriana Destro and Mauro Pesce (Binghamton University, 2001), pp. 61-89.

9. Jaakko Hämeen-Anttila, "Continuity of pagan religious traditions in tenth-century Iraq", *Ideologies as Intercultural Phenomena. Melammu Symposia III*, eds. A. Panaino & G. Pettinato, Melammu Symposia III. (Universita' di Bologna, 2002), pp. 89-108.

10. Jaakko Hämeen-Anttila, *The Last Pagans of Iraq: Ibn Waḥshīyya and his Nabatean Agriculture* (Brill, 2006).

آن مناقشاتی میان پژوهشگران وجود دارد، شامل اطلاعات کشاورزی و وضعیت پاگانسیم در عراق در اواخر دوره باستانی است. همین‌آنتیلا معتقد است بخشی از این رساله منعکس‌کننده وضعیت روستاهای عراق اندکی پیش از فتوح اسلامی یا بلافاصله پس از فتوح است. از نظر او، نسخه اصلی این رساله که به زبان سریانی بوده، در حلقه‌های پاگان‌ها (نه زودتر از قرن عم و نه پس از آن) تدوین شده است. در سال ۲۰۱۴م مارکو مورجی تمام آنچه درباره کاسه‌های سریانی در کتب و نشریات گوناگون منتشر شده بود، به صورت یک کتاب جامع گردآوری کرد و تفاسیر جدیدی به آنها افزود.^۱ در زبان فارسی هنوز مطالعه‌ای جدی درباره کاسه‌های جادویی به‌عنوان ابزاری برای شناخت جامعه ساسانی انجام نشده است. تاکنون فقط سجاد امیری باوندپور به معرفی کتاب مورجی، که در بالا گفته شد، پرداخته است^۲ و کتابی فکری‌پور و همکارانش مقاله‌ای درباره کاسه‌های جادویی منتشر کرده‌اند.^۳

نمایی از پاگانسیم در اواخر دوره ساسانی

اگرچه پاگانسیم در بین‌النهرین دوره ساسانی رو به افول بود، سنت‌های باستانی مذهبی و بومی بین‌النهرین از طرق مختلف به حیات خود ادامه می‌دادند. با توجه به اینکه مجموعه‌های بزرگ معابد دوره بابل نو و دوره یونانی‌مآبی اشکانیان تا پایان دوره ساسانی از بین رفته بودند، شرح هر گونه وقایع روزانه پاگان‌ها و یا سلسله‌مراتب روحانیت آنها غیرممکن به نظر می‌رسد. با وجود این، در مراسم خصوصی و در قربانی‌ها و مراسم جادوگری از خدایان کهن و دیوها یاد می‌شد. دیوشناسی و جادوگری پاگان‌ها در میان یهودیان و مسیحیان نیز رواج داشت. آداب کلدانی^۴ نیز از طریق تلفیق عقاید دین زردشتی و فرقه‌های گنوسی^۵ احیا شده بود. هنوز در اواخر دوره ساسانی در سراسر بین‌النهرین پاگان‌هایی با موهای بلند حضور داشتند که بت می‌پرستیدند و معتقد به قربانی کردن حیوانات بودند. در بین‌النهرین علیا و روستاهای ناحیه

1. M. Moriggi, *A Corpus of Syriac Incantation Bowls: Syriac Magical Texts from Late Antique Mesopotamia* (Leiden: Brill, 2014).

۲. سجاد امیری باوندپور، «مارکو مورجی: مجموعه کاسه‌های سفالین جادویی سریانی. متون جادویی سریانی از بین‌النهرین در اواخر دوران باستان»، تقد کتاب ایران و اسلام، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، ص ۲۵۷-۲۶۶.

۳. کتابی فکری‌پور، فریبا شریفیان، آزاده حیدرپور، «بازتاب اعتقاد و باور به سحر و جادو در کاسه دعاها و مهرهای سحرآمیز (مطالعه موردی کاسه‌های منطقه میان‌رودان و خوزستان)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش ۱۴ (پاییز ۱۳۹۶)، ص ۷۹-۹۰.

۴. این گروه معتقدند که عالم یک علت دارد، و همیشه یکتا بوده و فزونی نیابد. آنها برای تقرب قربانی می‌کردند و آن را ویژه ستارگان می‌دانستند. برخی از آنان معتقد بودند اگر قربانی به نام آفریدگار انجام شود، نتیجه خوبی نخواهد داشت. حیواناتی که قربانی می‌شدند عبارت بودند از گاو نر و بز، و همچنین سایر چهارپایان به‌جز شتری که در فکین دهاشت دندان نباشد. از بین پرندگان نیز آنهایی را قربانی می‌کردند که از نوع کبوتر و مرغ شکاری نباشد. محمد بن اسحاق ابن ندیم، *الفهرست لابن ندیم* (بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا)، ص ۴۴۲-۴۴۳.

۵. گنوس (معرفت) واژه‌ای یونانی از ریشه هند و اروپایی است. این واژه نشانگر جریان فکری کهنی بود که بر آگاهی از رازهای ایزدی تأکید می‌ورزید. در گذشته تصور می‌شد که گنوس یا معرفت از طریق مکاشفه یا اشراف به سنت رازآمیز و باطنی به دست می‌آید.

Gilles Quispel, "Gnosticism from Its Origins to the Middle Ages", in *Encyclopedia of Religion*, eds. Mircea Eliade & Charles J. Adams, Vol. 5 (New York: Macmillan, 1987), p. 566.

سواد نیز پاکان‌های آرامی زندگی می‌کردند.^۱ در امتداد جنوب غربی بین‌النهرین، قبایل چوپان عرب تا اواسط سدهٔ ۶م همچنان پاکان بودند و از آن زمان به بعد یعقوبی شدند.^۲ در سدهٔ ۵م، ساکنان کوه‌های شمالی بین‌النهرین خورشید را می‌پرستیدند. قبیلهٔ بنولخم که در حیره زندگی می‌کردند، تا زمان تغییر مذهب نعمان بن منذر (۵۹۲-۶۰۴م) در ۵۹۳م همچنان پاکان بودند. در سدهٔ ۶م در میان ایرانیان کشاورز ساکن در بین‌النهرین برخی به پرستش دیو مشغول بودند.^۳ پاکان‌ها در روستای بت‌کرته‌وايه^۴ در آدیابنه^۵ و در ناحیهٔ بت‌نهادرا^۶ برای دیوها گاو نر قربانی می‌کردند.^۷ این نکته حائز اهمیت است که در برخی از روستاها پاکان‌ها در کنار زردشتیان، یهودیان و مسیحیان همزیستی داشتند. در اواخر سدهٔ ۶ و اوایل سدهٔ ۷ میلادی پاکان‌ها در بت‌اریابه،^۸ ارزون،^۹ مرگا،^{۱۰} آدیابنه، بت‌گرمه،^{۱۱} کسکر^{۱۲} و میسان^{۱۳} معابد مخصوص به خود را داشتند.^{۱۴} آیین پاکان‌ها شامل نوشیدن شراب، قربانی کردن برای بت‌ها و مدح درختان بود. این آداب به همراه موسیقی و رقص انجام می‌شد. با اینکه در این‌گونه مراسم اغلب خروس سفید قربانی می‌کردند، اما گاهی نیز انسان قربانی می‌شد.^{۱۵} واضح‌ترین گزارش که مؤید وجود پاکانیسم در اواخر دورهٔ ساسانیان است، به روستاهای ناحیهٔ سواد^{۱۶} مربوط می‌شود. در اوایل سدهٔ ۷م در

1. Morony, *Iraq*, p. 384; Georg Hoffmann, *Auszuege Aus Syrischen Akten Persischer Maertyrer* (Leipzig, 1880), p. 93.

2. Morony, *Iraq*, p. 384; P. Peeters, "La Passion arabe de S.'Abd al-Masih" *Analecta Bollandiana*, Vol. 44 (1926), pp. 270-341.

3. Morony, *Iraq*, p. 384; Hoffmann, p. 75.

4. Beth Kartewaye

۵. Adiabene. (سریانی: حدیب)، سرزمینی در میان رودهای زاب علیا و سفلا با مرکزیت اریبل (Richard Nelson Frye, *The History of Ancient Iran* (Muenschen, 1984), p. 222.) این سرزمین نورشیراکان نیز نامیده می‌شد (W. B. Henning, *Mitteliranisch* (Leiden-koeln: Brill, 1958), p. 45).

۶. Beth Nuhadra. نام ناحیه‌ای در استان موصل. یوزف مارکوارت، *ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمهٔ مریم میراحمدی (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳)، ص ۵۴.

7. Chronique de Seert, ed. Addai Scher (Paris, 1907), p. 512.

۸. Beth Arbaye. نام دیگر استان اریبستان است که در جنوب غربی دجلهٔ علیا قرار داشته است.

Michael Morony, "Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamic al-'Irāq", *Iran*, Vol. 20 (1982), p. 7.

۹. Arzon. نام منطقه‌ای که در دو طرف دجله و پایین مرز بیزانس قرار داشته است (Morony "Continuity", p. 9).

۱۰. Marga (مرگه/ مرج)، نام روستایی در موصل در عرض زاب کبیر. ابن حوقل، *صوره الارض*، الطبعة الثانية، ج ۱ (بیروت: دار صادر، ۱۹۳۸م)، ص ۲۱۷.

۱۱. Beth Garne. ناحیه‌ای در شمال شرقی عراق که همان کرکوک امروزی است (Frye, p. ۲۲۲).

۱۲. Kaskar. منطقه‌ای در بین‌النهرین در مجاورت با سد نهروان. یاقوت، ج ۴، ص ۴۶۱.

۱۳. Maysan. نام منطقه‌ای وسیع بین بصره و واسط. همان، ج ۵، ص ۲۴۲.

14. Morony, *Iraq*, p. 385; Adolf Neubauer, *La géographie du Talmud* (Paris: Michel Lévy, 1868), pp. 345-347.

15. Morony, *Iraq*, p. 385.

۱۶. سواد ناحیه‌ای بود که سبزی گیاهان و درختان آن در هنگام فتوح، توجه عمر بن خطاب و سپاهیان را به خود جلب کرد. از این رو، وی آن را سیاه (سواد) نامید. یاقوت حدود آن را از نظر طولی، از حدیثه تا عبادان و از نظر عرضی، از عذیب تا حلوان تعیین کرده است. یاقوت، ج ۳، ص ۲۷۲.

روستایی بین کسکر و نیپور^۱ راهبان مسیحی برای تغییر دین مردم به آنجا یورش بردند. مردم این روستا مار می‌پرستیدند و روحانی مقدس آنها موظف بود برای مار غذا فراهم کند.^۲ روستایی در عین نمر^۳ نیز محل سکونت گروه‌هایی بود که از خراسان به این منطقه انتقال داده شده بودند. این افراد درخت نخل و همچنین بت‌هایی در قالب انسان را می‌پرستیدند. بزرگ‌ترین بت آنها نهردان^۴ نامیده می‌شد. البته راهبی مسیحی خواهر روحانی پاگان‌های آن منطقه را شفا داد. به دنبال این اتفاق، پاگان‌ها نهردان را شکستند و کلیسایی ساختند.^۵

نمایه‌های شناخت پاگان‌ها

جادو

کاسه‌های جادویی ابزاری برای بررسی وضعیت پاگان‌ها

بنا بر گزارش‌های باستان‌شناختی ریچاردی^۶، در سال ۱۹۶۷م کاسه‌های ضخیم متعددی با لبه‌های موج‌دار در لایه‌های بالایی منطقه صنعتگران تیسفون یافت شد. این کاسه‌های جادویی مخصوص مناسک آیینی نبودند، بلکه سفالینه‌هایی معمولی بودند که در کارگاه‌های محلی ساخته می‌شدند و برای نوشتن از آنها استفاده می‌شد.^۷ بسیاری از این کاسه‌ها به صورت وارونه قرار گرفته بودند، احتمالاً به این خاطر که از آنها به عنوان تله‌ای برای به دام انداختن دیوان استفاده می‌شد. همچنین کاسه‌هایی پیدا شد که دوبه‌دو مقابل هم قرار گرفته بودند. طرز قرار گرفتن دو کاسه به شکل یک کره شاید مبین این باشد که ابزاری برای زندانی کردن ارواح شیطانی بوده‌اند.^۸

اگرچه نمی‌توان اطلاعات کاسه‌های جادویی را جایگزین منابع ادبی کرد، اما می‌توان آنها را مکمل منابع ادبی به شمار آورد. متون کاسه‌های جادویی به چهار زبان اصلی نوشته شده که عبارت است از آرامی یهودی (همچنین گاهی عبری)، مندایی، سریانی و فارسی‌میانه. سه گروه نخست جزئی از زبان‌های

۱. Nippur. این منطقه که نام دیگر آن نیفر (Niffar) است، در جنوب غربی بین‌النهرین واقع شده است. امروزه این شهر جزئی از استان القادسیه عراق است.

M. Streck & M. E. J. Richardson, "Niffar", *Encyclopedia of Islam*, Vol. 8, edited by C. E. Bosworth, E. Van Donzel, W. P. Heinrichs And the late CH. Pellat (Leiden: Brill, 1995), p. 13.

2. *Chronique de Seert*, p. 512.

۳. Ain al-Namir، این منطقه در شمال جابیه و نوی در منطقه جولان است.

N. Elisseeff, "Namara", *Encyclopedia of Islam*, Vol. 8 (Leiden: Brill, 1995), pp. 944, 947.

4. Nahrđān

5. Philip Wood, "Hira and her Saints", *Analecta Bollandiana*, Vol. 132 (1), (2014), p. 14.

6. Roberta Venco Ricciardi

7. Hunter, "Incantation", p. 222.

8. J. C. Greenfield, "Notes on Some Aramaic and Mandaic Magic Bowls", *Journal of the Ancient Near Eastern Society*, 5 (1), (1973), pp. 149-156.

سامی و چهارمی زبانی ایرانی است که به خطوط مختلف آرامی نوشته شده است. با بررسی شواهد، می‌توان حدس زد که این کاسه‌ها متعلق به سده ۴ تا ۷ میلادی باشد. اعضای جامعه معتقد بودند دیوان و فرشتگان هنر کتابت آنها را مورد توجه قرار می‌دهند و پیام‌های مکتوب را با جدیت تمام می‌خوانند و رسیدگی می‌کنند. از روی توزیع زبانی کاسه‌های جادویی می‌توان تا حدودی به وابستگی دینی سازندگان آنها پی برد. آرامی یهودی ابزار ارتباطی یهودیان بین‌النهرین بود. تعداد کثیری از این کاسه‌ها به آرامی یهودی نوشته شده و این در حالی است که جمعیت یهودیان در آن دوره زمانی در بین‌النهرین زیاد نبوده است. احتمالاً می‌توان نتیجه گرفت که کاسه‌های یهودی فقط برای استفاده یهودیان ساخته نشده بودند.^۹ فرضیه محققان این است که تخصص استفاده از کاسه‌های جادویی مربوط به یهودیان بوده است و پاکان‌ها اغلب برای علاج بیماری‌ها و ایمن ماندن در برابر حوادث از آنها استفاده می‌کردند.^{۱۰} در تعدادی از کاسه‌های سریانی، نویسنده خود را فرستاده‌ای از سوی خدایان باستانی بین‌النهرینی مانند شمش، سین، بل، نن و نرگل معرفی می‌کند.^{۱۱} می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر کاسه‌های سریانی فضای جادویی دارند و البته این فضا به گونه‌ای است که خود را به هیچ دینی وابسته نشان نمی‌دهد و در عین حال، عناصر یهود و پاکانیسم اغلب در آنها حضور دارد.^{۱۲}

دستاورد بررسی کاسه‌های جادویی^{۱۳}

کاسه‌های جادویی نشان می‌دهند که در سده ۶ و ۷ میلادی در روستاهای بخش مرکزی سواد نارضایتی اجتماعی وجود داشته است. در این زمان، زنان از اینکه ادیان جدید باعث افزایش روزافزون نفوذ و قدرت مردان شده است، احساس نارضایتی می‌کردند. روحانیان زردشتی، ربی‌های یهودی، کشیشان و راهبان مسیحی همگی مذکر بودند و خدای مذکر را ستایش می‌نمودند و زنان را دون‌پایه، عامل شیطان و یا خود شیطان تلقی می‌کردند. در این ساختار هیچ روحانی مؤنثی و هیچ نمایه مؤنثی که بیانگر قدرت، اختیار و توسل به خدایان کهن مؤنث باشد وجود نداشت. در این شرایط نقش شیطانی دیوهای مؤنث در حال پررنگ شدن بود.^{۱۴} از نظر زروانیان «جه» که دیوی مؤنث محسوب می‌شد، عاملی برای اغوای

9. Shaked, "Jews", pp. 63-69.

10. Joseph Naveh & Shaul Shaked, *Amulets and Magic Bowls: Aramaic Incantations of Late Antiquity* (Leiden: Brill, 1985), p. 18.

11. Montgomery, 238.

12. Shaked, "Jews", p. 71.

۱۳. در هاترا نقش برجسته‌ای از مرمر متمایل به رنگ سبز یافت شده است که نرگل را بازمی‌نماید. او که یک تاج کوچک بر سرش است، لباسی ایرانی بر تن دارد و با دستش یک سگ سه سر را نگه داشته است.

Javier Teixidor, *The Pagan God: Popular Religion in the Greco-Roman Near East* (Princeton University Press, 2015), p. 146.

14. Morony, *Iraq*, pp. 388-389.

مردان بود و نمادی منفی از سوی زنان تلقی می‌شد.^۱ در تلمود نیز ذکر شده است که هرچه تعداد زنان بیشتر باشد، جادو نیز بیشتر می‌شود.^۲ به‌طور کلی در تلمود زنان برای جامعه خطرناک محسوب می‌شوند.^۳ در مسیحیت نیز ساتان^۴ دیو مؤنث بود.^۵ بنابراین، جای شگفتی نیست که زنان در آن زمان ترجیح می‌دادند دین باستانی بین‌النهرین را از طریق اعمال مربوط به جادوگری مورد حمایت قرار دهند. زنان آداب جادوگری را به‌عنوان ساختاری که از طریق آن می‌توانستند جایگاه دینی بالاتری پیدا کنند حفظ می‌کردند. زنان ساحر در پاگانیزم بیش از آیین‌های دیگر ارج و قرب داشتند. آنها هم جادوگری می‌کردند و هم جادوزدگی را درمان می‌کردند.^۶

نقوش کاسه‌های جادویی سریانی که در نیپور یافت شده‌اند، نشان می‌دهند شَمَش (خورشید)، سین (ماه)، بل (سیاره ژوپیتر)، نانای و نرگل (سیاره مریخ) به‌عنوان نیروهای خیرخواه پرستش می‌شدند.^۷ البته باید توجه شود که سریانی زبانی بود که هم پاگان‌ها و هم مسیحیان در بین‌النهرین از آن استفاده می‌کردند.^۸ به‌رغم تفاوت اجتماعات آرامی‌زبان با یکدیگر، اعمال روزمره و گویش بومی آنها نشان می‌دهد همگی دارای یک چهارچوب مشترک بوده‌اند. وجود کاسه‌های جادویی در اکثر نواحی بین‌النهرین مبین این است که این کاسه‌ها از محبوبیت بسیاری برخوردار بوده و یهودیان، پاگان‌ها و حتی اجتماعات مسیحی در اواخر دوره باستانی از آنها استفاده می‌کرده‌اند. چنانکه در میان پاگان‌ها به‌عنوان ابزاری برای محافظت از اشخاص و خانواده‌هایشان کاربرد داشته است. به دلیل منقش بودن این کاسه‌ها به خطوط یهودی بابلی، آرامی، سریانی یا مندایی، می‌توانیم آنها را فرافروشی بنامیم. با این حال، تمایز بین کاسه‌های جادویی رایج در اجتماعات پاگان‌ها و یهودیان پیچیده و ظریف است.^۹ هنوز هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد این کاسه‌ها برای امور خانگی از جمله غذا خوردن به کار برده می‌شده‌اند. بنابراین، فعلاً می‌توان حدس زد که از آنها تنها برای دور کردن دیوها و نیروهای شروری که قصد آسیب رساندن به انسان‌ها را داشته‌اند، استفاده می‌شده است.^{۱۰} علاوه بر این، امکان داشت که هر سحر و جادو توسط سحر و جادویی دیگر باطل شود. ساحران، از طریق باطل‌السحرها و طلسم‌های آهنی، شیاطین و همکاران انسانی آنها را در بند می‌کردند.

1. Shaul Shaked, *From Zoroastrian Iran to Islam* (Great Britain: Variorum, 1995), p. 226.

2. Babylonian Talmud, Book 5 (Vols. IX and X), Michael L. Rodkinson, tr. (Boston, 1918), Book V, Ch II.

3. S. Fishbane, "Most women engage in sorcery: An analysis of sorceresses in the Babylonian Talmud", *Jewish history* 7, No. 1 (1993), p. 29.

4. Satan

5. Hoffmann, p. 76.

6. Morony, *Iraq*, pp. 388-389.

7. Morony, *Iraq*, p. 385.

8. Shaked, "Jews", p. 69; Epstein, p. 42.

9. Hunter, "Aramaic", pp. 319, 320, 327, 329.

10. Shaked, "Popular", p. 104.

این ساحران بر روی کاسه‌های جادویی باطل‌السحر می‌نوشتند تا خطراتی که متوجه مشتری‌هایشان بود دفع کنند و با جا دادن این ظروف در آستانه در و یا درون دیوار شیاطین را محبوس می‌کردند.^۱

سرنوشت‌باوری بر پایه ستاره‌شناسی

پس از جادوگری، سرنوشت‌باوری بر پایه ستاره‌شناسی مهم‌ترین نمایه سنت‌های پاگان‌یسم بود که با سنت‌های یونانی‌مآبی و ایرانی ادغام شده بود. پاگان‌ها با توجه به سنت‌های نظام‌مند ستاره‌شناختی بابلی، حوادث را تفسیر می‌کردند. این نوع از سرنوشت‌باوری بر پایه ستاره‌شناسی خاص بابل بود که با نام «کالدیوتا»^۲ شناخته می‌شد و پیروان آن به کلدانیان معروف بودند.^۳ در واقع واژه کلدانی معمولاً ستاره‌شناس پاگان را به خاطر می‌آورد.^۴ بنا به روایتی بزرگمهر، وزیر خسرو انوشیروان، سقوط ساسانیان و سلطه عربان را از روی حرکت ستارگان پیش‌بینی کرده بود. وی این را براساس انتقال سرنوشت کارها از سیاره مشتری به سیاره زهره دانسته بود.^۵

فرقه‌های پاگان منشعب از مسیحیت

مرقیونیه

اصلی‌ترین عاملی که باعث ماندگاری مسیحیت گنوستیکی شد، کلیسای مرقیونیه^۶ بود که در اواسط سده ۲م بنیاد نهاده شد و حداقل تا سده ۱۰م پابرجا بود.^۷ فرقه‌های منشعب از مرقیونیه قایل، شیث و حتی مار را مدح می‌کردند، زیرا معتقد بودند اینها دانشی که آفریدگار از آدم و حوا دریغ کرد، به آن دو تعلیم دادند.^۸ از این لحاظ می‌توان آنها را با پاگان‌های مارپرست در بین‌النهرین یکی دانست.^۹ نسطوریان مرقیونیان را به سحر و جادوگری و استفاده از بت‌ها برای راندن دیوها متهم می‌کردند.^{۱۰} تشکیلات مرقیونیان در

1. Morony, *Iraq*, p. 392; Robert Mc Adams, "Tell Abu Sarifa, A Sassanian-Islamic Ceramic Sequence from South Central Iraq", *Ars Orientalis*, Vol. 8 (1970), p. 115.

2. Chaldiōtā.

3. G. S. Assemani, *Bibliotheca orientalis*, Vol. 3 (1), (Clementino-Vaticana, 1725), p. 29; W. Tarn, *Hellenistic Civilization* (Cleveland, 1967), pp. 345-347; Morony, *Iraq*, pp. 392-393.

4. Sebastian P. Brock, "Christians in the Sasanian empire: A case of divided loyalties", in *Studies in Church History*, 18 (1982), p. 17.

۵. کرلو آفونسو نالینو، تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۴۹)، ص ۲۳۸.

۶. مرقیونیان دو اصل متضاد را اثبات می‌کنند، یکی نور و دیگری ظلمت (محمد بن عبدالکریم شهرستانی، *الملل و النحل*، بتحقیق علی حسن فاعور و امیر علی مهنا، ج ۱ (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق)، ص ۲۹۸). آنها معتقد بودند که خدای عدالت جهان را آفریده است. وی به نیکوکاران پاداش می‌دهد و بدکاران را مجازات می‌کند، اما قادر به اجرای عدالت نیست. C. W. Mitchell (Oxford, 1912), ix, xix, xlv.

7. Morony, *Iraq*, p. 402.

8. Steve Runciman, *The Medieval Manichee: A Study of the Christian Dualist Heresy* (Cambridge, 1947), pp. 8-10.

9. Morony, *Iraq*, p. 402.

10. Budge, *The Histories*, II, p. 121.

قرون ۴ و ۵م در بین‌النهرین علیا رواج داشت و می‌توان در قرن ۶ و اوایل قرن ۷ میلادی نشانه‌هایی از آن را در بین‌النهرین یافت. در سال ۵۹۶م در مدائن مرقیونیان نیز در مراسم انتصاف سبریشوع، مطران نسطوری، حضور داشتند. از اشاره‌ای که به حضور روحانی و ساحر مرقیونیان در پایان سده ۶ و اوایل سده ۷ میلادی شده است، می‌توان نتیجه گرفت که آنها در آن زمان هنوز تشکیلاتی داشته‌اند.^۱

اوکیتهس‌ها/مسالیان^۲

در اواخر قرن ۴م گروهی از راهبان مسیحی فرقه‌ای به نام اوکیتهس‌ها/مسالیان را به وجود آوردند. تعالیم آنها گنوسی بود و همانند مانویان زاهدانه زندگی می‌کردند. آنها معتقد بودند هر انسانی در هنگام تولد دیوی را از والدین خود به ارث می‌برد و این دیو او را به گناه دعوت می‌کند. از دیدگاه آنها، این دیو فقط با عبادت مداوم و زندگی زاهدانه دفع می‌شود.^۳ حضور آنها در سال ۵۹۶م در سنجار ثبت شده است.^۴

مقابله مراجع دینی مسیحی با پاگانیسم

شوراهای کلیسایی^۵ اواخر سده قرن ۶م نشان می‌دهند که کلیساها در آن زمان مصمم به نظارت بر امور روزانه اعضای خود بودند. یوزف^۶ قوانینی مبنی بر مبارزه با مهرهای جادویی، فال‌گیری و اقداماتی از این دست وضع کرده بود.^۷ کاسه‌های جادویی یافته‌شده در سراسر بین‌النهرین نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. وی همچنین استفاده از روغن متبرک‌شده بر روی مهرها را در مراسم انتصاب کشیش‌ها ممنوع کرده بود.^۸ در مورد استفاده از روغن‌های طلسمی در رساله شرح حال ربن هرمزد، روایتی درباره ربی امانوئل^۹ دیده می‌شود که در اوایل سده ۷م در بت‌قربق^{۱۰} زندگی می‌کرد. طبق این روایت، همسر برادر امانوئل که عاشق

1. J. B. Chabot, *Synodicon Orientale ou Recueil de Synodes Nestoriens* (Paris, 1902), pp. 567-568; Chronique de Seert, pp. 489-495.

2. Euchites/Messalians

3. L. Duchesne, *Early History of the Christian Church from its Foundation to the End of the Fifth Century*, Vol. 2 (New York, 1912-1914), II, p. 461.

4. Chabot, p. 407.

۵. شورای کلیسایی (Synod) جلسه‌ای بود که طی آن، سلسله‌مراتب کلیسا نظرات خود را درباره مسائل مختلف در میان می‌گذاشتند.

W. Fanning, "Synod", *The Catholic Encyclopedia*, New York: Robert Appleton Company. Retrieved October 7, 2020 from New Advent: <http://www.newadvent.org/cathen/14388a.htm>.

۶. Joseph جاثلیقی در کلیسای شرق (۵۵۵-۵۶۵م).

Philip Wood, *The Chronicle of Seert: Christian Historical Imagination in Late Antique Iraq* (Oxford, 2013), p. 86.

7. Chabot, p. 363.

8. Wood, *The Chronicle*, p. 144.

۹. Emanuel، شماس کلیسای شرق و معاصر با ربن برعیتا (وفات ۶۱۱ یا ۶۲۱م).

L. Van Rompay "Bar 'Edta, Rabban", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of The Syriac Heritage*, eds. Sebastian P. Brock et al. (Gorgias Press, 2011), p. 56.

۱۰. Beth Ghurbaq، نام منطقه‌ای در استان اربابستان در بین‌النهرین.

The Chronicle of Pseudo-Joshua the Stylite, trans. Frank R. Trombley & John W. Watt (Liverpool University Press, 2000), p. 157.

او بود، از ساحران روغنی گرفت تا با تدهین وی به خواسته شوم خود برسد. از سوی دیگر، ربن برعیتا^۱ نیز به‌عنوان پادزهر روغن خاصی به بدن امانوئل مالید.^۲ حزقیال^۳ نیز جاثلیقی^۴ بود که در سومین اصل شورای کلیسایی خود در سال ۵۷۶م قوانینی علیه پاگان‌ها وضع کرده بود. یسوع یهب اول^۵ نیز در چهاردهمین اصل شورای کلیسایی، شرکت در جشن‌های پاگان‌ها و یهودیان را قدغن اعلام نموده بود.^۶ در بت‌نهادرا در سال ۶۲۰م، ربن هرمزد استفاده از تعویذهای آهنی را خصوصاً برای زنان باردار ممنوع اعلام کرد. وی علاوه بر این، استفاده از صلیب به‌عنوان ابزار زینتی را برای کودکان ممنوع دانست و حتی به کار بردن گوله‌های خاکی مخلوط‌شده با روغن را که در سریانی «حنانه»^۷ نامیده می‌شدند، قدغن کرد.^۸ مطابق بیست و سومین اصل شورای کلیسایی مارآبای یکم^۹، پیشگویی، فال‌گیری، طلسم و سحر و چیزهایی از این قبیل که موجبات خشنودی شیطان را فراهم می‌آوردند، ممنوع بود.^{۱۰}

مراکز آیینی پاگان‌ها در بین‌النهرین در آستانه فتوح اسلامی

حران^{۱۱}

حران در شمال بین‌النهرین و در کنار راه موصل به سوی شام و روم واقع بود.^{۱۲} پاگان‌های این شهر که موبلند و سفیدپوش بودند، به دلیل اجرای مراسم مربوط به گردش سیارات و اعمال اخترشناختی

۱. Rabban Bar 'idta. یکی از رهبران کلیسا که احتمالاً بین سال‌های ۵۰۸/۵۰۹-۶۱۱/۶۱۲م می‌زیست.

Jean-Maurice Fiey, *Assyrie Chrétienne*, Vol. 1 (Beirut: Imprimerie Catholique, 1968), p. 271.

2. Budge, *The Histories*, pp. 265-267.

3. Ezekiel (567-581)

۴. جاثلیق (Catholicos) در میان اسقفان سلسله‌مراتبی وجود دارد: پاپ، کاردینال، اسقف اعظم (سراسقف)، بطریرک (پاتریارک) و مطران همه مراتب مختلف نظام اسقفی هستند. بنگرید به: «اسقف»، بخش ادیان و فرق. *دانشنامه ایران*، ج ۳ (تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴)، ص ۴۶۶.

۵. Isho' Yahab I. وی اسقف ارزون بود و به همین دلیل به یسوع یهب اهل ارزون نیز شناخته می‌شد. وی از ۲/۵۸۱-۵۹۵م جاثلیق کلیسای شرق شد. Giuseppe Furlani, "Il Trattato Di Yešo' yahb D'Ārzōn Sul Tpišafion" *Rivista Degli Studi Orientali* 7(3) (1917), p. 687; Sebastian Brock, "Isho' Yahab I", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of The Syriac Heritage*, eds. Sebastian P. Brock et al. (Gorgias Press, 2011), p. 218.

6. Wood, *The Chronicle*, p. 144.

7. ḥenanā

8. *Chronique de Seert*, pp. 596-597.

۹. Mar Aba I. جاثلیق کلیسای شرقی در بین سال‌های ۵۴۰-۵۵۲م.

Manfered Hutter, "Mar Aba and The Impact of Zoroastrianism on Christianity in the 6th Century", *Religious themes and texts of pre-Islamic Iran and Central Asia*, Carlo G. Cereti et al. eds. (Wiesbaden, 2003), p. 167.

10. Chabot, pp. 549, 559.

11. Carrhae

۱۲. یاقوت، ج ۲، ص ۲۳۵: "Harran" in *Encyclopedia Iranica*; C.E Bosworth, (1), 12, London: Routledge & Kegan Paul), (2012), pp. 14-13.

معروف بودند.^۱ نوافلاطونیانی^۲ که در سال ۵۲۹م نزد خسرو انوشیروان پناهنده شدند و طبق عهدنامه بین ایران و بیزانس، از آزادی مذهب برخوردار گردیدند، در حران «مدرسه یونانی‌ها» را تأسیس کردند. در این مدرسه پاگان‌یسم ترویج می‌شد.^۳ موریس/ماوریکیوس^۴، امپراتور بیزانس (۵۸۲-۶۰۲م)، در ۵۹۰م به استغان^۵ اسقف حران دستور داد پاگان‌های آن ناحیه را مورد تعقیب و آزار قرار دهد. استغان نیز دستور او را اجرا کرد. بسیاری از پاگان‌ها مسیحی شدند و آنهایی که در برابر گرویدن به مسیحیت مقاومت کردند، از وسط به دو نیم شدند و در شهر حران به دار آویخته شدند. حاکم شهر حران در آن زمان آسیندینوس^۶ نام داشت. او با اینکه خود را مسیحی نشان می‌داد، باطناً پاگان بود. منشی او به نام هونوریوس^۷ به او خیانت کرد و رازش را برملا نمود و خود به حکمرانی حران منصوب شد.^۸ هنگام ورود سپاه اسلام به حران، پاگان‌های ساکن در حران با عیاض بن غنم، فرمانده مسلمانان، پیمان صلح بستند.^۹ با این حال، گروهی از پاگان‌ها تا زمان ورود اسلام به این منطقه نارضایی خود را از مسیحیان ابراز می‌کردند.^{۱۰} در واقع شاید آنها از مسیحیان ساکن در شهرشان بیشتر از مسلمانان تازه‌وارد تنفر داشتند و احتمالاً هدفشان انتقام گرفتن از مسیحیان همجوارشان بود.^{۱۱} طبق گزارش بلاذری، عیاض با نماینده پاگان‌ها و نماینده مسیحیان جداگانه مذاکره کرد.^{۱۲} احساس مسیحیان نسبت به مسلمانان هرچه بوده باشد، واضح است که مسلمانان راحتی بیشتری در میان پاگان‌های حران داشتند. این شهر محل سکونت بدوی‌های قبیله قیس شد. اعضای این قبیله پیش از ظهور اسلام و گرویدن به آن در شام می‌زیستند و ستاره‌پرست بودند و شاید با توجه به پیشینه کهن حرانیان در پاگان‌یسم، بنوقیس احساس خوشایندی در بین آنان

1. Morony, *Iraq*, p. 409.

۲. Neoplatonist. آخرین جلوه تفکر یونانی در فلسفه نوافلاطونی ظاهر شد که عالی‌ترین حاصل این فلسفه در حکمت اوپولوتینوس (افلوپین، وفات ۲۷۰م) انعکاس یافت. تعلیم او ترکیبی از حکمت یونانی و عرفان شرقی بود و تقریر ابتکاری بدیعی از تمام مباحث فلسفی عصر را (به‌جز مسائل سیاسی) شامل می‌شد. عبدالحسین زرین کوب، در قلمرو و جلدان، چاپ دوم (تهران: سروش، ۱۳۷۵)، ص ۳۰۳.

3. David Pingree, "The Sābians of Harrān and the classical tradition", *International Journal of the Classical Tradition*, 9 (1), (2002), p. 10; I. Ramelli, "Ābrahām of Beth Rabbān", *Encyclopedia of Ancient Christianity*, ed. & English Trans. Angelo di Bernardino (USA: Inter Varsity, 2014), p. 57.

4. Maurice

5. Stephen

6. Acindynus

7. Honorius

8. *Anonymous Chronicle of AD 1234*, "Extracts from the Anonymous Chronicle of AD 1234, With Supplementary material in the notes from the Chronicle of the Jacobite Patriarch Micheal (died AD 1199)", *The Seventh Century in the West-Syrian Chronicles*, ed & tr. Andrew Palmer (Liverpool University Press, 1993), p. 114.

۹. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، تحقیق عمر انیس الطباع (بیروت: مؤسسه المعارف، ۱۹۸۷م)، ص ۲۳۹.

10. Adam Mez, *Geschichte der Stadt Harrān in Mesopotamien bis zum Einfall der Araber* (Strassburg, 1892), pp. 11-12, 60-63.

11. Tamara Green, *The City of The Moon God: Religious Traditions of Harrān* (Brill, 1992), p. 94.

۱۲. بلاذری، ص ۲۳۹-۲۴۰.

داشتند.^۱ حران تنها مرکز آیینی پاکان‌های بین‌النهرین بود که با معابد، روحانیان و آداب و رسوم خود وارد دوره اسلامی شد.^۲

ادسا

امپراتور دیوکلتیانوس/دیوکلسیان^۳ (۲۸۶-۳۰۵ م) بین‌النهرین شمالی را به دو استان به نام‌های اسروئنه^۴ و بین‌النهرین تقسیم کرده بود. ادسا در آن زمان مرکز اسروئنه بود.^۵ این شهر در شمال غربی حران واقع و محل تلاقی ادیان مختلفی مانند مسیحیت و یهودیت بود. ادسا جایی بود که پاکانیسم یونانی-رومی از آنجا به بین‌النهرین رسوخ کرد.^۶ این شهر در جریان فتح بین‌النهرین توسط سپاه ایران بین سال‌های ۵۹۰-۶۲۸ م (با انقطاع) به دست خسرو پرویز افتاده بود.^۸ یعقوب ادسایی (رهاوی)^۹ یکی از روحانیان سریانی است که در هنگامه فتوح اسلامی در ادسا متولد شد.^{۱۰} در نامه‌هایی که وی از خود به جا گذاشته است، می‌توان اشاراتی از حضور پاکان‌ها در ادسا یافت. یعقوب ادسایی در بند ۳۶ نامه به *ادی* از کسانی سخن می‌گوید که در نزدیکی ادسا سکونت دارند و وردهایی را زمزمه می‌کنند. آنها همچنین ریسمان‌هایی گره می‌زنند و مهرهای طلسمی می‌سازند.^{۱۱}

حیره^{۱۲}

شهر حیره در جنوب غربی بین‌النهرین واقع بود. این شهر امروزه در حدود پنج کیلومتری کوفه قرار دارد و آن را نجف می‌نامند.^{۱۳} حیره به دلیل جایگاه جغرافیایی‌اش، از نظر فرهنگی، نقطه تلاقی سه فرهنگ

1. Green, p. 94.

2. Hämeen-Anttila "Continuity", p. 89.

3. Diocletian

4. Osrhoene

5. H. J. W. Drijvers, *Cults and beliefs of Edessa* (Brill, 1980), pp. 16, 18.

6. A. Harrak, "Edessa", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage*, ed. Sebastian P. Brock et al. (Gorgias Press, 2011), p. 138.

7. A. R., "Paganism", *Late Antiquity: a guide to the postclassical world*, eds. Glen Warren Bowersock, Peter Robert Lamont Brown, Oleg Grabar (Harvard University Press, 1999), p. 626.

8. Samuel Lieu, "Edessa", *Encyclopedia Iranica*, 8 (I), (London: Routledge & Kegan Paul, 2011), pp. 174-175.

9. Jacob of Edessa

10. Alison Salvesen, "Jacob of Edessa's life and Work: A Biographical Sketch", *Jacob of Edessa and the Syriac culture of his Day*, ed. Bas Ter Haar Romeny (Leiden-Boston, 2008), p. 1.

11. C. Kayser, *Die Canones Jacob's Von Edessa* (Leipzig, 1886), p. 23.

12. Ḥīrā

13. یاقوت، ج ۲، ص ۳۲۸؛ C. E. Bosworth, "Ḥīra" in *Encyclopedia Iranica*, 12 (3), (Routledge & Kegan Paul, 2012), pp. 322-323

ایرانی ساسانی، نسطوری مسیحی و پاگانسیمِ عربی بود.^۱ طبق گزارش جاحظ، مسیلمه کذاب^۲ بازارهای ابله،^۳ انبار^۴ و حیره را که در آنها ایرانیان و عربان به خرید و فروش مشغول بودند، دیده بود.^۵ او در این مکان‌ها از طالع‌بینان، پیامبران دروغین، صاحبان بت‌کده‌ها و فال‌گیران سحر و تردستی و انواع حقه‌ها را آموخته بود. تطییر^۶ و تفأل با خاک از جمله اعمال آنها بود.^۷ تولد که معتقد است مسیحیان حیره به دلیل پاگان بودن منذر (وفات ۵۴۶م) از او دوری می‌کردند.^۸ در حدود سال ۵۹۲م، نعمان سوم، آخرین پادشاه لخمی، به مسیحیت پیوست.^۹ نعمان بارها به مسیحیت دعوت شده بود، اما حاضر به ترک پرستش خدایان خود نبود. می‌گویند او در خواب دید که فرشته‌ای به او نوید می‌دهد که در صورت گرویدن به مسیحیت، دارای قدرت و ثروت بیشتری خواهد شد. بنابراین، روز بعد با اجازه خسرو پرویز غسل تعمید کرد و مسیحی شد.^{۱۰} او اگر یوس اسکولاستیکوس،^{۱۱} تاریخ‌نگار اواخر سده ۶م، نیز در کتاب تاریخ کلیسایی می‌نویسد: «... نعمان ملعون و بت‌پرست که به دست خویش انسان‌ها را برای خدایان خود قربانی می‌کرد، در نهایت تعمید مقدس را پذیرفت. وی یکی از مجسمه‌های زرین آفرودیت را ذوب کرد و در میان فقرا تقسیم نمود. نعمان همچنین زبردستانش را به بندگی خدا متمایل کرد.»^{۱۲}

1. Irfan Shahid, "al-Īrā", *Encyclopaedia of Islam* (III), Second Edition, eds. B. Lewis et al. (Leiden, 1986), p. 462.

۲. مُسَلِّمَةُ بن مُنَافَةَ حَنْفِي وَاثَلِي، معروف به کذاب، متعلق به قبیلهٔ بنوحنیفه بود. او هم‌زمان با حضرت محمد (ص) در یمامه می‌زیست و مدعی نبوت بود. وی تعداد زیادی از افراد قبیله‌اش را در جنگ‌های رده وارد کرد. مسیلمه درصدد بود تا با بهره‌گیری از اوضاع نابه‌سامان ایران در اواخر دورهٔ ساسانی، شاهزاده‌نشین مستقل از ایران و بیزانس و مدینه تأسیس کند.

W. M. Watt, "Musailamah", in *Encyclopedia of Islam* VII, eds. C. E. Bosworth et al. (Leiden: Brill, 1993), pp. 664-665.

۳. نام شهری در غرب دجله است. حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده (تهران: طهوری، ۱۳۶۲)، ص ۱۵۲.

۴. شهری بر کرانهٔ فرات که ایرانیان آن را فیروز شاپور می‌نامیدند. یاقوت، ج ۱، ص ۲۵۷.

۵. ابوعثمان عمرو جاحظ، الحیوان، بتحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، الجز الرابع، الطبعه الثانيه (مصر: شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبي و اولاده، ۱۳۸۵ق)، ص ۳۶۹.

۶. تطییر به معنای فال گرفتن با حرکات پرندگان است. ریشهٔ این واژه از کلمهٔ طیر است و نوعی فال بد زدن بر مبنای جهت و نحوهٔ نشستن پرندگان بوده است. آذرتاش آذرنوش و دیگران، «جاحظ»، دانشنامهٔ ایران، ج ۳ (تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۱)، ص ۷۸.

۷. عبدالحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، جلوده تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، ج ۸ (تهران: نی، ۱۳۷۹)، ص ۲۷۴؛ Charles Pellat, *The Life and Works of Jāhiz* (University of California, 1969), p. 162.

8. Theodor Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber zur Ziet der Sasaniden, aus der arabischen chronik des Tabari* (Brill, 1897), p. 346.

9. Isabel Toral-Niehoff, "The 'ibād Of Al-Īrā: An Arab Christian Community in Late Antique Iraq", *The Qur'an in Context, Historical and Literary Investigations in to the Quranic Milieu*, eds. A. Neuwirth et al. (Brill, 2010), p. 17.

۱۰. ابوالبقاء هبه الله حلی، المناقب العزیدیه فی اخبار الملوک الالاسدیّه، بتحقیق محمد عبدالقادر خریسات و صالح موسی دراد که (بوظئی): مرکز زاید للتراث و التاريخ، ۱۴۲۰ق، ص ۲۶۸-۲۷۲.

11. Evagrius Scholasticus

12. Evagrius, *Ecclesiastical History. A History of the Church ... from A. D. 431 to A.D. 594*, tr. E. Walford (London, 1846), p. 310.

تأثیر پاکان‌ها بر مسیحیان در آستانه فتوح

در اواخر دوره ساسانی، آداب و رسوم و خصایص پاکان‌ها در میان نسطوریان رواج داشت. این امر یکی از عواقب تغییر ناگهانی مذهب بود. آنها حتی مراسم قربانی کردن را نیز انجام می‌دادند. در سال ۵۹۶م یک شماس^۱ در خارج از شهر مشغول قربانی کردن یک خروس بود و این موجب دستگیری او شد. این شرایط حتی باعث شد که او به بت‌پرستی متهم شود. ابراهیم بت‌ربن،^۲ مدیر مدرسه نصیبین،^۳ که در مقابل تصویر عیسی مسیح (ع) و علامت صلیب مشغول دعا کردن بود، متهم به پنهان کردن یک بت در پشت صلیب شده بود.^۴ نسطوریان یعقوبیان^۵ را به مخفی کردن بتی برنجی با لایه‌هایی از یاقوت در زیر مقبره‌ای در یک صومعه در مارمتای^۶ متهم کرده بودند.^۷ عالمی مسیحی به نام اسحاق در پیروزشاپور در بت‌نهدار، در زمان خسرو پرویز به حران رفت، ولی پس از مدتی به شهر خود بازگشت و در یک مدرسه محلی به‌عنوان مفسر مشغول به کار شد. وی اگرچه در ظاهر مسیحی بود، در خلوت برای دیوان قربانی می‌کرد.^۸

وضعیت پاکان‌ها در هنگامه فتوح

بنا بر رویدادنامه خوزستان، مردم شترو^۹ در بهقباد^{۱۰} در دهه ۶۴۰م قربانی می‌کردند. در این شهر رسم بود که هر سال مردی را به مدت یک سال در خانه‌ای زندانی و هر خوراکی که می‌خواست برایش فراهم کنند. سپس او را برای دیوان قربانی و در سراسر همان سال، از سر او برای پیشگویی و جادو استفاده

۱. شماس، همان مرتبه دین‌باری کلیسایی است که در زبان انگلیسی Deacon نامیده می‌شود. بنگرید به: «اسقفی، نظام»، بخش ادیان و فرق، دانشنامه ایران، ج ۳ (تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴)، ص ۴۶۹.

۲. Abraham of Beth Rabban، فرض بر این است که به معنای «از خاندان سرورمان» است، مربوط به نرسی، نخستین مدیر مدرسه نصیبین، باشد که با ابراهیم نیز نسب خویشاوندی داشت.

L. Van Rompay, "Abraham of Beth Rabban", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of The Syriac Heritage*, eds. Sebastian P. Brock et al. (Gorgias Press, 2011), p. 8.

3. Eduard Sachau, *Die Chronik von Arbela* (Berlin, 1915), p. 91.

4. Arthur Vööbus, *History of the School of Nisibis* (Peeters, 1965), p. 151.

۵. یعقوبیان که عنوان «منوفیزیت» نیز به آنها اطلاق می‌شود، پیرو یعقوب برداعی (۴۹۰-۵۷۷م) بودند. وی منکر تمایز بین لاهوت و ناسوت در وجود عیسی (ع)، و قائل به وحدت طبیعت الهی در وجود ابن و آب بود. زرین کوب، ص ۲۰۸.

۶. Mar Mattai، نام دیری در موصل. سعید نفیسی، مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، به اهتمام عبدالکریم جربزه‌دار، چاپ دوم (تهران: اساطیر، ۱۳۹۲)، ص ۲۱۴.

7. Budge, *The Historie*, 1, p. 120.

8. Morony, Iraq, p. 409; *Chronique de Seert*, p. 646.

۹. الشطره که نام کامل آن «شطره المتتفک» است، شهری است در کرانه سمت راست شعبه غربی شط الفراف که ۲۰ مایل بالاتر از تقاطع این شط با رود فرات و در نزدیکی شهر ناصریه واقع شده است.

"Shatrat-Al-Muntafik Town", *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia Online*, Edited by: Brill. https://referenceworks.brillonline.com/entries/gazetteer-of-the-persian-gulf-oman-and-central-arabia-online/shatrat-al-muntafik-town-com_040698, Consulted online on 11 October 2020.

۱۰. Behqbad، نام سه خوره در بغداد است: ۱. بهقباد تسوج که در شش تسوج است به نام‌های تسوج «خطرینه»، تسوج «پهرین»، تسوج «عین تمر»، «فلوجه بالا» و «فلوجه پایین»، تسوج «بابل»؛ ۲. بهقباد میانه که در چهار تسوج است: تسوج «سورا»، تسوج «باروسما» و «جبه» و «بده»، و تسوج «نهر ملک»؛ ۳. بهقباد پایین که در پنج تسوج است: «کوفه» و «فرات بادقلی» و «سیلحین» و تسوج «حبره» و تسوج «هرمزد»، یاقوت، ج ۱، ص ۵۱۶.

می‌کردند.^۱

با این حال، در هنگامه فتوح اسلامی، برخی از پاگان‌ها به مسیحیت پیوستند و مکان‌های مقدس آنها تبدیل به کلیسا و صومعه شد. شکسته شدن بت‌ها، تخریب معابد و ساخت کلیسا و صومعه موضوعاتی است که در شرح‌حال نویسی‌های قدیسان بارها دیده می‌شود. در سدهٔ ۶م، نسطوریان به تغییر مذهب پاگان‌ها در آدیابنه می‌پرداختند. گفته می‌شود در این ناحیه در زمان پادشاهی هرمزد چهارم (۵۷۹-۵۹۰م) بتکده‌ای به صومعه تبدیل شده بود.^۲ تقریباً در همین زمان، ساکنان روستایی در بت‌گرمه که پاگان بودند، توسط سبریشوع به مسیحیت گرویدند. بتخانه‌های آنها تخریب و به کلیسا و صومعه تبدیل شد.^۳ در بین‌النهرین سفلی، پیش از ۵۹۶م، پاگان‌های میسان و کسکر به دست گریگوری کسکری^۴ به مسیحیت گرویدند. بر طبق روایتی، گریگوری همچنین اهالی روستایی را که مارپرست بودند، با ارائهٔ معجزاتی به مسیحیت متمایل کرد.^۵ ربن شاپور (قرن ۷م)،^۶ راهب و مدرس مدرسهٔ دیرمحران،^۷ نیز پاگان‌ها را به مسیحیت دعوت می‌کرد.^۸ همچنین در اوایل سدهٔ ۷م صومعهٔ بت‌عبه^۹ در محلی ساخته شده بود که قبلاً بتخانه بود.^{۱۰}

نتیجه‌گیری

منطقهٔ بین‌النهرین از دیرباز شاهد تنوع دینی، و بستری برای ظهور آیین‌های مختلف بوده است. یکی از این آیین‌ها پاگانیسم بود. در اواخر دورهٔ ساسانی، هنوز پاگان‌هایی با موهایی بلند در بین‌النهرین زندگی می‌کردند که پرستندگان بت‌ها و معتقدان به قربانی کردن بودند. از بررسی گزارش‌هایی که تقریباً همزمان با فتوح اسلامی نگارش شده است و نیز رویدادنامه‌های شهرهای مختلف بین‌النهرین و شرح

1. Nasir al-Ka'bi, *A Short Chronicle on the End of the Sasanian Empire and Early Islam 590-660 A.D.* (Gorgias Press, 2016), p. 88.

2. *Chronique de Seert*, p. 173, 447, 452; Morony, Iraq, p. 395; Jésusdenah, *Le Livre de la chastete*, ed. And trans, J. B. Chabot (Rome, 1896), p. 13.

3. *Chronique de Seert*, pp. 631-632; Vööbus, p. 208.

4. Gregory of Kaskar, گریگوری کسکری، تحصیل‌کردهٔ مدرسهٔ سلوکیه بود و در سال ۵۹۶م مطران نصیبین شد (Jésusdenah, pp. 30-31).

5. Morony, Iraq, p. 395.

6. Rabban Shapur

7. Dayr_Mihraq, نام شهری واقع در میسان که در زمان ساسانیان شاد شاپور نام داشت. دیرمحران نام کنونی آن است (*Chronique de Seert*, I, p. 221).

8. *Chronique de Seert*, I (II), p. 459; Florence Jullien, "Rabban Šāpur", *Encyclopædia Iranica*, 2015, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/rabban-shapur> (accessed on 29 October 2015).

9. E. Cuthbert Butler, "The Building of the Monastic Church of Beth Abhe", *The Downside Review* 15, No. 2 (1896), p. 153. (به معنای «خانهٔ جنگلی» است.)

10. S. Brock, "Beth 'Abe, Monastery of" in *Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage*, eds. Sebastian Brock et al. (Gorgias Press, 2011), p. 70).

10. Jésusdenah, p. 22.

حال قدیسان مشخص می‌شود که در پایان دوره ساسانی پاکان‌ها حضور پررنگی در بین‌النهرین داشته و تأثیرات مهمی بر مسیحیان ساکن در این منطقه گذاشته‌اند. از کاسه‌های جادویی نیز که در این نواحی یافت شده است، می‌توان نحوه زندگی روزمره و اعتقادات فردی پاکان‌ها را فهمید. در بین‌النهرین، زنان از پاگانیسم استقبال کردند، زیرا در بستر این آیین می‌توانستند جایگاه اجتماعی بالاتری پیدا کنند. حران، ادسا و حیره مراکز آیینی مهم پاکان‌ها در بین‌النهرین بود. جادوگری، سرنوشت‌باوری بر پایه ستاره‌شناسی و قربانی کردن نمایه پاگانیسم در بین‌النهرین بود. پاگانیسم در بین‌النهرین در اواخر دوره ساسانی بر مسیحیت و آداب و رسوم آن تأثیر گذاشت. مرقیونیان و مسالین نیز فرقه‌هایی از مسیحیت بودند که در بین‌النهرین در آستانه فتوح اسلامی حضور داشتند و اعتقادات آنها مشتق از پاگانیسم بود. خصوصاً نسطوریانی بودند که در خلوت اعمال مربوط به پاکان‌ها را انجام می‌دادند. در مقابل، مطران‌ها شوراهایی ترتیب دادند تا جلو این قبیل اعمال را بگیرند. در هنگامه فتوح اسلامی، بر اثر تلاش راهبان مسیحی، گروه‌هایی از پاکان‌ها به مسیحیت پیوستند، اما برخی از آنها هنوز دلبستگی خود را به پاگانیسم از دست نداده و در خلوت به برخی از آداب آن پایبند بودند.

کتابنامه

- آذرنوش، آذرتاش و دیگران. «جاحظ»، *دانشنامه ایران*، ج ۳، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۱.
- «اسقف». *دانشنامه ایران*، ج ۳، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴.
- «اسقفی، نظام». *دانشنامه ایران*، ج ۳، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه*، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، ج ۸، تهران: نی، ۱۳۷۹.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله. *شرح نهج البلاغه*، ج ۷، قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل. *صورة الارض، الطبعه الثانيه* بیروت: دار صادر، ۱۹۳۸م.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. *الفهرست لابن ندیم*، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- ابوزهره، محمد. *تاریخ مذاهب اسلامی*، ترجمه علیرضا ایمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
- بلاذری، احمد ابن یحیی. *فتوح البلدان*، تحقیق عمر انیس الطباع، بیروت: مؤسسه المعارف، ۱۹۸۷م.
- جاحظ، ابوعثمان عمرو. *الحيوان*، بتحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، الجز الرابع، الطبعه الثانيه، شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البابي الحلبي و اولاده بمصر، ۱۳۸۵ق.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب*. به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری، ۱۳۶۲.
- حلی، ابوالبقاء هبه‌الله. *المناقب المزیديه فی اخبار الملوک الاسديه*، بتحقیق محمد عبدالقادر خریسات و صالح موسی درادکه، ابوظبی: مرکز زاید للتراث و التاريخ، ۱۴۲۰ق.

زرین کوب، عبدالحسین. در قلمرو وجدان، چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۷۵.
شهرستانی، محمد بن عبد الکریم. الملل و النحل، بتحقیق محقق فاعور، علی حسن و امیر علی مهنا، ج ۱، بیروت:
دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق.

مارکوارت، یوزف. ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمهٔ مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳.
نالیانو، کرلو آلفونسو. تاریخ نجوم اسلامی، ترجم، احمد آرام، تهران: کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۴۹.
نفیسی، سعید. مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار. چاپ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۹۲.
یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله. معجم البلدان، الطبعة الثانية، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.

Anonymous Chronicle of AD 1234. "Extracts from the Anonymous Chronicle of AD 1234, With Supplementary material in the notes from the Chronicle of the Jacobite Patriarch Micheal (died AD 1199)", edited & translated by Andrew Palmer in *The Seventh Century in the West-Syrian Chronicles*, Liverpool University Press, 1993, pp. 111-221.

Assemani, G. S. *Bibliotheca orientalis (III)*, Clementino-Vaticana, 1725.

Babylonian Talmud. Book 5 (Vols. IX and X), translated by Michael L. Rodkinson, Boston, 1918.

Bohak, Gideon. "Babylonian Jewish Magic in Late Antiquity: Beyond the Incantation Bowls", in *Studies in Honor of Shaul Shaked*, edited by Yohanan Friedmann and Etan Kohlberg, Jerusalem: The Israel Academy of Sciences and Humanities, 2019, pp. 70-122.

Borrut, Antonie. "Review of Wood, Philip. *The Chronicle of Seert: Christian Historical Imagination in Late Antique Iraq* (Oxford: Oxford University Press, 2013)" in *The Journal of Religion* 96/4 (2016), pp. 584-86.

Bosworth, C. E. "Ḥarran", in *Encyclopedia Iranica* 12 (1), London: Routledge & Kegan Paul, 2012.

Bosworth, C. E. "Hira", in *Encyclopedia Iranica* 12 (3), London: Routledge & Kegan Paul, 2012.

Brock, Sebastian P. "Christians in the Sasanian empire: A case of divided loyalties", *Studies in Church History*, 18 (1982), pp. 1-19.

_____. "Beth 'Abe, Monastery of", in *Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage*, edited by Brock et al, 70, Gorgias Press, 2011.

_____. "Isho'yahb", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of The Syriac Heritage*, edited by Sebastian P. Brock et al., 218. Gorgias Press, 2011.

Butler, E. Cuthbert. "The Building of the Monastic Church of Beth Abhe", *The Downside Review* 15, No. 2 (1896), pp. 153-161.

Chabot, J. B. *Synodicon Orientale ou Recueil de Synodes Nestoriens*, Paris, 1902.

Chronique de Seert, edited by Addai Scher, Paris, 1907.

- Drijvers, H. J. W. *Cults and beliefs of Edessa*, Brill, 1980.
- Duchesne, L. *Early History of the Christian Church from its Foundation to the End of the Fifth Century*, Vol. 2, New York, 1912-1914.
- Elisseeff, N. "Namara" in *Encyclopedia of Islam*, Vol. 8, edited by C.E. Bosworth, E. Van Donzel, W. P. Heinrichs & CH. Pellat, Brill, 1995.
- Epstein, J. N. "Gloses Babylo-Arameennes", *Revue des Etudes Juives* (74), (1922), pp. 40-72.
- Evagrius. *Ecclesiastical History. A History of the Church ... from A. D. 431 to A. D. 594*, tr. with an account of the author and his writings [by E. Walford], London, 1846.
- Fanning, W. "Synod", *The Catholic Encyclopedia*, New York: Robert Appleton Company. Retrieved October 7, 2020. <http://www.newadvent.org/cathen/14388a.htm>.
- Fiey, Jean-Maurice. *Assyrie Chrétienne*, Vol. 1, Beirut: Imprimerie Catholique, 1968.
- Fishbane, S. "Most women engage in sorcery: An analysis of sorceresses in the Babylonian Talmud", *Jewish history*, 7 (1), (1993), pp. 27-42.
- Frye, R. N. *The History of Ancient Iran*, München, 1984.
- Furlani, Giuseppe. "Il Trattato Di Yešō'yahb D'Ārzōn Sul TpiΣaΓion", *Rivista Degli Studi Orientali* 7(3), (1917), pp. 687-715.
- Green, Tamara. *The City of The Moon God: Religious Traditions of Harran*, Brill, 1992.
- Greenfield, J. C. "Notes on Some Aramaic and Mandaic Magic Bowls", *Journal of the Ancient Near Eastern Society*, 5 (1), (1973), pp. 149-156.
- Hämeen-Anttila, Jaakko. "Continuity of pagan religious traditions in tenth-century Iraq", in *Ideologies as Intercultural Phenomena. Melammu Symposia III*, edited by A. Panaino & G. Pettinato, Melammu Symposia III., Universita` di Bologna, 2002.
- Harrak, Amir. "Edessa", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of the Syriac Heritage*, edited by Sebastian Brock et al., Gorgias, 2011.
- Harvey, Graham. "Paganism-Contemporary", *The Encyclopedia of Religion and nature*, (eds.) Bron R. Taylor & Jeffrey Kaplan, England, 2006, pp. 1247-1251.
- Henning, W. B. *Mitteliranisch*, Leiden-koeln: Brill, 1958.
- Hoffmann, Georg. *Auszuege Aus Syrischen Akten Persischer Maertyrer*, Leipzig, 1880.
- Hunter, Erica C. D. "Aramaic-Speaking Communities of Sasanid Mesopotamia", *Aram* 7 (2), (1995), pp. 319-335.
- _____. "Incantation Bowls: A Mesopotamian phenomenon?" *Orientalia*, Nova Series, 65 (3), (1996), pp. 220-233.
- Hutter, Manfred. "Mar Aba and The Impact of Zoroastrianism on Christianity in the 6th Century", in *religious themes and texts of pre-Islamic Iran and Central Asia*, edited by

- Carlo G. Cereti et al., Wiesbaden, 2003, pp. 167-174.
- Jésusdenah. *Le Livre de la chastete*, ed. And trans, J. B. Chabot, Rome, 1896.
- Jullien, Florence. "Rabban Šāpur", *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2015, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/rabban-shāpur>, accessed on 29 October 2015.
- al-Ka'bi, Nasir. *A Short Chronicle on the End of the Sasanian Empire and Early Islam 590-660 A.D.*, Gorgias Press, 2016.
- Kayser, C. *Die Canones Jacob's Von Edessa*, Leipzig, 1886.
- Lieu, Samuel. "Edessa", *Encyclopedia Iranica* 8 (I), London: Routledge & Kegan Paul, 2011, pp. 174-175.
- Mc Adams, Robert. "Tell Abu Sarifa, A Sassanian-Islamic Ceramic Sequence from South Central Iraq", *Ars Orientalis*, Vol. 8 (1970), pp. 87-119.
- Mez, Adam. *Geschichte der Stadt Harrân in Mesopotamien bis zum Einfall der Araber*, Strassburg, 1892.
- Montgomery, James A. *Aramaic Incantation Texts from Nippur*, Philadelphia, 1913.
- Morony, Michael. "Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamic al-'Irāq", *Iran* 20 (1982), pp.1-49.
- _____. *Iraq After the Muslim Conquest*, United States: Princeton University Press, 1984.
- Murre-van den Berg, H. L. "Hormizd, Monastery of Rabban", in *Gorgias Encyclopedic Dictionary of The Syriac Heritage*, edited by Sebastian P. Brock et al., Gorgias Press, 2011, pp. 203-205.
- Naveh, Joseph & Shaul Shaked. *Amulets and Magic Bowls: Aramaic Incantations of Late Antiquity*, Leiden: Brill, 1985.
- Nelson, Michael P. "Pagan Environmental Ethics", *The Encyclopedia of Religion and nature*, (eds.) Bron R. Taylor & Jeffrey Kaplan (England, 2006), pp. 1232-1234.
- Neubauer, Adolf. *La géographie du Talmud*, Paris: Michel Lévy, 1868.
- Nöldeke, Theodor. "Die von Guidi Herausgegebene Syrisch Chronik", in *Sitzungsberichte Der Kaiserlichen Akademie Der Wissenschaften, Philosophisch-Historische Classe*, 128 Band, IX abhandlung, Wien: Tempsky, 1893, pp. 1-48.
- _____. *Geschichte der Perser und Araber zur Ziet der Sasaniden, aus der arabischen chronic des Tabari*, Brill, 1897.
- Peeters, P. "La passion arabe de S. 'Abd al-Masih", *Analecta Bollandiana*, Vol. 44 (1926), pp. 270-341.
- Pellat, Charles. *The Life and Works of Jāhīz*, University of California, 1969.

- Pingree, David. "The Sābians of Harrān and the classical tradition", *International Journal of the Classical Tradition* 9(1), (2002), pp. 8-35.
- Quispel, Gilles. "Gnosticism from Its Origins to the Middle Ages", in *Encyclopedia of Religion*, edited by Mircea Eliade & Charles J. Adams, Vol. 5, New York: Macmillan, 1987, pp. 566-574.
- R. A. "Paganism" *Late Antiquity: a guide to the postclassical world*, (eds.) Glen Warren Bowersock, Peter Robert Lamont Brown, Oleg Grabar, Harvard University Press, 1999, pp. 625-626.
- Ramelli, I. "Abraham of Beth Rabban", in *Encyclopedia of Ancient Christianity*, edited by Angelo di Bernardino, English Translation, USA: Inter Varsity, 2014, pp. 56-57
- Robinson, Chase F. "The Conquest of Khūzistān: a Historiographical Reassessment", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 67 (1) (2004), pp. 14–39.
- Runciman, Steve. *The Medieval Manichee: A Study of the Christian Dualist Heresy*, Cambridge, 1947.
- S. *Ephraim's Prose Refutations of Mani, Marcion, Bardaisan*, translated by C. W. Mitchell, Oxford, 1912.
- Sachau, Eduard. *Die Chronik von Arbela*, Berlin, 1915.
- Salvesen, Alison. "Jacob of Edessa's life and Work: A Biographical Sketch", in *Jacob of Edessa and the Syriac culture of his Day*, edited by Bas Ter Haar Romeny, Leiden-Boston, 2008, pp. 1-11.
- Segal, J. B. "Pagan Syrian Monuments in the Vilayet of Urfa", *Journal of the British Institute of Archaeology at Ankara* (3), (1953), pp. 97-119.
- Shahid, Irfan. "al-Ḥīra", *Encyclopaedia of Islam* (III), Edited by B. Lewis et al., B. Lewis, Leiden, 1986, pp. 462-463.
- Shaked, Shaul. *From Zoroastrian Iran to Islam*, Great Britain: Variorum, 1995.
- _____. "Popular Religion in Sasanian Babylonia", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, Vol. 21 (1997), pp. 103-117.
- _____. "Jews, Christians and Pagans in the Aramaic Incantation Bowls of the Sasanian Period", in *Religions and Cultures: First International Conference of Mediterraneanum*, edited by Adriana Destro and Mauro Pesce, Binghampton, NY: Global, 2001, pp. 61-89.
- "Shatrat-Al-Muntafik Town". *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia Online*, Edited by: Brill. https://referenceworks.brillonline.com/entries/gazetteer-of-the-persian-gulf-oman-and-central-arabia-online/shatrat-al-muntafik-town-com_040698, Consulted online on 11 October 2020.

- Streck, M. & M. E. J. Richardson. "Niffar", *Encyclopedia of Islam*, Vol. 8, edited by C. E. Bosworth, E. Van Donzel, W. P. Heinrichs And the late CH. Pellat, Brill, 1995, pp. 12-13.
- Tarn, W. *Hellenistic Civilization*, Cleveland, 1967.
- Texidor, Javier. *The Pagan God: Popular Religion in the Greco-Roman Near East*, United States: Princeton University Press, 2015.
- The Chronicle of Pseudo-Joshua the Stylite*. translated by Frank R. Trombley & John W. Watt. Liverpool University Press, 2000.
- The Histories of Rabban Hormizd, The Persian and Rabban Bar-'idta*, edited by E. A. Walleis Budge, Netherlands: Luzac, 1902.
- Toral-Niehoff, Isabel. "The 'ibād Of Al-Hīra: An Arab Christian Community in Late Antique Iraq", *The Qur'an in Context. Historical and Literary Investigations in to the Qur'anic Milieu*, edited by Angelika Neuwirth, The Netherlands: Brill, 2010, pp. 323-347.
- Van Rompay, L. "Abraham of Beth Rabban", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of The Syriac Heritage*, edited by Sebastian P. Brock et al., Gorgias Press, 2011.
- _____. "Bar 'Edta, Rabban", *Gorgias Encyclopedic Dictionary of The Syriac Heritage*, edited by Sebastian P. Brock et al., Gorgias Press, 2011.
- Vööbus, Arthur. *History of the School of Nisibis*, Peeters, 1965.
- Watt, W. Montgomery. "Musailamah", in *Encyclopedia of Islam* (VII), edited by C. E. Bosworth et al., Brill, 1993, pp. 664-665.
- Wood, Philip. *The Chronicle of Seert: Christian Historical Imagination in Late Antique Iraq*, Oxford, 2013.
- _____. "Hira and her Saints", *Analecta Bollandiana*, Vol. 132 (1), (2014), pp. 5-20.